

تاریخ کوتاه روم شرقی "بیزانتین"

نویسنده جان جولوس نوروچ، چاپ اول آلفرد ا نوبف، نیویورک ۱۹۹۷، ۴۳۵ صفحه

نویسنده کتاب جان جولوس نوروچ در پیش درآمد و مقدمه کتاب خود به چند نکته مهم از نظر او که باعث شد این کتاب را بنویسد اشاره میکند. او بیان میکند که در دوران تحصیل دانشگاهی خود متوجه توطئه سکوت در باره روم شرقی "بیزانتین" شد. به نظر او اروپای امروز به امپراطوری مسیحی روم شرقی دین بزرگی دارد. چون بدون وجود روم شرقی نیروی که میتوانست جلوی پیش روی پارس ها، خلفای عرب و ترک ها را بگیرد وجود نداشت و او نتیجه میگیرد در حال حاضر معلوم نبود ما کدام خدا را میپرسیدیم و به چه زبانی حرف میزدیم. نویسنده با بزرگ منشی اظهار میدارد که او هرگز ادعا نمی کند که کتاب تحقیقی تاریخی در باره بیزانتین نوشته است اما، ما میدانیم که برای مردمان زیادی این بزرگترین کتاب تاریخی خواهد بود که در باره بیزانتین خواهند خواند. این کتاب را لرد نوروچ در سه جلد در ۱۲۰۰ صفحه نوشته است که جلد اول ۱۹۸۸، جلد دوم ۱۹۹۱ و جلد سوم ۱۹۹۵ چاپ شده است.

نوروچ بخش اول امپراطوری بیزانتین را به بنیان گذار آن کانستانتین کبیر اختصاص میدهد که در ۲۷۴ میلادی متولد شده است او کسی است که بر سراسر روم از ایتالیا تا آسیای کوچک، ترکیه موجود فرمانروای میکرد. کنستانتین مسیحیت را دین رسمی روم کرد و روز یکشنبه را تعطیل رسمی اعلان کرد. او پایتخت امپراطوری روم را در سال ۳۳۰ میلادی از ایتالیا و روم به کانستانتین پُل، استامبول امروز منتقل کرد که تا سقوط کامل امپراطوری بیزانتین در سال ۱۴۵۳ میلادی بدست سلطان محمود عثمانی دوام آورد. در آن زمان امپراطوری ساسانیان بطور تقریبی به مرزهای کنونی عراق و ترکیه با امپراطوری بیزانتین هم مرز بود. اورشلیم افریقای شمالی و سوریه جزئی از امپراطوری روم بود.

تاریخ بیزانتین از این تاریخ به بعد پر از وقایع شگفت انگیز است. امپراطوری روم به شرق و غرب تقسیم میشود و امپراطوری روم غربی بدست بربرهای شمال اروپا نابود میشود. روم شرقی مدام در جنگ با پارس و قبایل ترک قفقاز و شاه نشین های جدید اروپای شرقی است. مراکز مهم تمدن حاکم جهان در تیسفون پایتخت ساسانیان، اورشلیم شهر مقدس مسیحیان و کانستنتین پُل است. شهباز سردار خسرو پادشاه ساسانی با ارتش خود از الوند رود میگذرد و اورشلیم را اشغال میکند و شهر را به آتش میکشد و مسیحیان را قتل عام میکند و بعد از آن اسکندریه را تصرف میکند که انبار غله امپراطوری بیزانتین است. هراکلیس در ۶۱۰ میلادی امپراطور بیزانتین میشود و بلافاصله به جنگ با پارس میپردازد و سرانجام بعد از سال ها جنگ و خونریزی در اواخر ۶۲۷ میلادی قرارداد صلح بین دو امپراطوری بسته میشود که سرزمین های اشغال شده روم شرقی را به آن برمیگرداند. در ۵۷۸ برای اولین بار در تاریخ بیزانتین از عرب ها نام برده میشود.

در دورانی که پارس و بیزانتین فرسوده از جنگ طولانی خود بودند، ارتش های اسلامی کشور گشائی های خود را در ۶۳۳ میلادی آغاز میکنند. به گفته نویسنده بعد از سه سال دمشق را میگیرند، بعد از ۵ سال ارشلیم را بعد از ۶ سال تمام سوریه را میگیرند. بعد از ده سال مصر و ارمنستان را، در مدت بیست سال امپراطوری پارس را و در مدت سی سال افغانستان و بیشتر پنجاب را تصرف میکنند. پس از آن برای یک مدت کوتاه که برای تحکیم حکومت خود به سرزمین های جدید متوقف میشوند. متوجه غرب میشوند، در سال ۷۱۱ میلادی پس از اشغال سراسر شمال افریقا، اسپانیا را اشغال میکنند و به سوی لوور در فرانسه میروند که در آنجا سرانجام متوقف میشوند. ارتش عرب دو بار ارتش بیزانتین را شکست میدهد که دومین بار در یارموک در ۶۳۶ میلادی بود.

اختلاف مذهبی ارتدوکس ها بیزانتین و یونانی با کلیسای ارشلیم، اسکندریه و روم تلخ کامی بزرگ مذهبی بین این دو نوع

تفکر از طبیعت روح خدا و یا خود خدا بودن مسیح در میان آنها به وجود آورده بود، طوریکه مسیحیان اسکندریه برای فرار از حکومت و تفتیش عقاید بیزانتین در مقابل حمله مسلمانان به مصر مقاومت چندانی نکردند. معاویه خلیفه عرب که پایتخت او در دمشق بود به اشغال سرزمین های بیزانتین ادامه داد تا سرانجام به دریای مرمره رسید. در ۶۷۴ میلادی محاصره کانستنتین پُل از دریا و زمین آغاز شد که ۵ سال طول کشید که سرانجام به شکست عرب ها کشید و آنها با باقی مانده ناوگان دریائی خود کانستنتین پُل را ترک کردند. نویسنده ما معتقد است چنانچه کانستنتین پُل در قرن هفتم به فتح عرب ها در میامد تا قرن ۱۵ که به فتح ترک های عثمانی در آمد تمام اروپا و آمریکا امروز مسلمان بودند که به نظر دور از حقیقت نمی رسد.

جاستینین دوم که به خون ریزی و خون خواری معروف بود قوانینی وضع کرد که بیشتر زیر تأثیر فرهنگ اسلامی بود مانند ممنوع کردن رقص و آرایش موی زنان اما پاپ روم از تأیید آنها خود داری کرد. در همین دوران سمبل های مذهبی مانند صلیب و مجسمه های مسیح غیر مذهبی اعلان شد و بدستور امپراطور کشیش ها و راهبه های زیادی به قتل رسیدند که این وضع دو قرن به طول انجامید و منجر به از بین رفتن آثار هنری فراوانی شد. امپراطوران بیزانتین معمولاً گذشته و تربیت نظامی داشتند. و در شورش های فراوان بر علیه امپراطور وقت نظامیان نقش اساسی بازی میکردند. داستان حکومت هر امپراطور که تعداد آنها زیاد است از جذابیت خاص خود برخوردار است و به شیوه درخشان و شیرینی بیان میشود. خواننده در سیر خود در تاریخ هزار ساله بیزانتین هرگز کسل نمی شود و هیجان وقایع او را ترک نمی کند. ما در تاریخ بیزانتین شاهد نابودی امپراطوری ها و شکل گرفتن آنها هستیم. تاریخ بیزانتین با دو امپراطوری بزرگ روم و پارس شروع میشود که امپراطوری پارس به دست امپراطوری جوان عرب ها نابود میشود. و همین امپراطوری مسلمان عرب است که همواره بیزانتین را تهدید میکند و اگرچه سرانجام امپراطوری عرب بدست ترک های سلجوق نابود میشود. اما این ترک های رومی سلجوق نیستند که بیزانتین را نابود میکنند بلکه سلسله ترک دیگری به نام عثمانی است که این کار را انجام میدهد.

خواننده همینطور که سرگذشت بیزانتین را میخواند شاهد گذشت بی در پی قرن ها است. دوران های صلح و جنگ بشکل متناوب بی در پی خود را نشان میدهند. بیزانتین میباید ارتش های اشغال گر بیشمار را دفع کند. بلغار ها، روس ها، عرب ها و دیگران شانس خود را در به اشغال درآوردن کانستنتین پُل امتحان میکنند اما همواره پشت دیوارهای غیر قابل نفوذ آن متوقف میشوند. ما شاهد این هستیم که در حالیکه امپراطوران بیزانتین برای ازدواج دوم و سوم وقتی که زن هایشان میمردند دچار مشکلات سیاسی میشدند، تمدن رقیب اسلامی داشتن چند زن را همزمان و حرمسرا را اخلاقی میدیدند. خیانت، توطئه، جنایت در دربار بیزانتین به فراوانی دیده میشود. کلیسای بیزانتین در جنگ بی پایان خود با دربار و دخالت های مدام در سیاست بیشتر مواقع نقش منفی و در بعضی موارد نقش مثبت خود را بازی میکنند. قوانین مدون مدنی و مالیاتی طی قرن ها اداره امپراطوری را امکان پذیر میکرد. ثبت جزئیات تاریخی امپراطوران بیزانتین بیشتر توسط مانک های تارک دنیاها مانستری ها امکان پذیر شده است که گزارش های دقیقی از دوران تاریخی خود داده اند. علاوه بر آن و مهم تر از آن تداوم و بقای این مانستری ها است که این اسناد تاریخی را برای ما حفظ کرده است.

سر آغاز سقوط بیزانتین به همراه سقوط امپراطوری خلفای عرب و طلوع نیروی سلجوق ها است. ترک های قفقاز و شمال ایران که طی قرن ها به ایران و آسیای کوچک مهاجرت میکردند سرانجام نیروی خلفای عرب را تضعیف میکنند و سلجوق های ترک امپراطوری رومی خود را تشکیل میدهند که هستی بیزانتین را تهدید میکند. نبرد سرنوشت ساز "منزیکرت" که امپراطور بیزانتین رومانوس در آن از آلپ ارسلان شکست خورد، شکستی بود که بیزانتین هرگز نتوانست آن را جبران کند. به گفته نویسند رمانس این جنگ را تنها بخاطر خیانت و دشمنی اشراف کانستنتین پُل باخت نه بخاطر کمی شجاعت و یا آمادگی جنگی. ادامه ناتوانی بیزانتین منجر به ازدست رفتن شرق آسیای کوچک شد که بدین علت بیزانتین منابع ثروت و نیروی انسانی قابل ملاحظه ای را از دست داد. با پیشروی ترک ها در آسیای کوچک و تسلط عرب ها بر اورشلیم ارتش ها اروپایی کرسیدرز تشکیل شد که هدف آن ایجاد پادشاهی نشین های مسیحی در آسیای کوچک و سوریه و اورشلیم بود و این ارتش ها تا حدودی موفق شدند که این پادشاهی ها

مسیحی را تشکیل دهند. از طرف دیگر سلسله کامنینوس در دورانی بیش یک قرن ثبات و اعتبار بیزانتین را که در منزیکرت ازدست رفته بود به آن باز گرداندند.

در اکتبر ۱۱۸۷ صلاح الدین سردار اسلامی شاه نشین مسیحی اورشلیم را اشغال و فتح میکند که یکی از سه شاه نشین مسیحی آسیای جنگجویان صلیبی است. بدنبال سقوط اورشلیم به دست مسلمان ها پاپ و شاهان اروپائی به تدارک چهارمین کرسی خود میپردازند که به ناچار پای بیزانتین را به میان میکشد که معمولاً در هر کرسی طرف بازنده معادله جنگی بوده است، هرچند که کرسی بنا بر اسمش میباید بر علیه مسلمان ها باشد عملاً بیزانتین از آن بیشتر صدمه میدید. پنجمین کرسی سرانجام به فتح کانستنتین به دست فرنک ها منجر میشود که تضعیف بیشتر بیزانتین را بدنبال خود می آورد. در ۱۲۴۱ و ۱۲۴۳ مغول ها اول بلغارستان را مغلوب میکنند و بعد در آسیای کوچک سلطان کیخسرو دوم سلجوق را شکست میدهند اما در هر دو این حملات بسوی کانستنتین پل نمی روند. مایکل پالولوکوس یکی از چند امپراطور بیزانتین سرانجام در سال ۱۲۶۱ میلادی کانستنتین پل را فتح میکند و پادشاهی فرنک ها به پایتخت تاریخی خود پایان میدهد. بدنبال سقوط کانستنتین پل پادشاهان و پاپ به تدارک تصرف دوباره بیزانتین میافزند که هرچند در این مورد کاملاً موفق نمیشوند اما در سراسر قرن سیزدهم جنگ را در جبهه غربی بیزانتین را برقرار نگه میدارند که باعث میشود بیزانتین سرزمین های بیشتری در شرق به ترک ها از دست بدهد.

سال ۱۳۰۲ سال بدی برای بیزانتین بود. در این سال ارتش بیزانتین از رئیس ایل ترکی به نام عثمان شکست خورد که سلسله ترکی را بنیان گذاشت که برای بیش از ۵۰۰ سال بر آسیای کوچک و اروپای شرقی حکومت کرد و بعد از ۱۵۰ سال امپراطوری بیزانتین را برای همیشه نابود کرد. راجر دی فلور فرمانده جنگجویان اسپانیائی بنام کنالین کامپانی که تعداد آنها به ۷ هزار نفر میرسد که شامل زن ها و بچه های آنها هم میشد، بیزانتین اجباراً به استخدام خود در میآورد تا از آن دفاع کنند. با وجود اینکه در آغاز موفقیت های زیادی بدست آوردند اما به علت بی اعتمادی بین یکدیگر به تخریب بیزانتین پرداختند. سقوط امپراطوری بیزانتین ادامه داشت تا اینکه سرزمین های محدودی که در دست بیزانتین باقی مانده بود رسماً دست نشاندگان سلطان عثمانی میشوند و دستورات سلطان بایزید را میباید اجرا میکردند. در همین حال امپراطور سعی میکرد از پادشاهان اروپائی برای بقای خود کمک بگیرد.

سرانجام بیزانتین و امپراطور آن دست نشاندگان عثمانی بایزید میشود که به او این حق را میداد که هر وقت اراده میکرد میتواند امپراطور را به دربار خود احضار کند. اما منوئل امپراطور بیزانتین از ترس جان خود از دستور احضار سرپیچی میکند که به معنی اعلان جنگ به بایزید بود. اما در همین زمان تیمور لنگ به آسیای کوچک حمله میکند و در تابستان سال ۱۴۰۲ بایزید را در آنکارا شکست میدهد و او را اسیر میکند و بدون قفس میاندازد. این واقعه نیم قرن دیگر به عمر بیزانتین اضافه میکند. سرانجام در سال ۱۴۵۳ سلطان محمود دوم کانستنتین پل را محاصره میکند و زیر بمباران بزرگترین توپخانه زمان خود قرار میدهد. سلطان محمود برای فتح کانستنتین پل ۱۰۰ هزار سرباز جمع آوری کرده بود و مدافعان شهر کمتر از ۷ هزار جنگجو بودند. سرانجام افسانه غیر قابل نفوذ بودن دیوارهای کانستنتین پل شکسته میشود و فرو میریزد و غارت، تجاوز و برده گیری مرسوم سه روزه توسط سربازان سلطان شروع میشود. بعد از یک روز سلطان غارت و چپاول را متوقف میکند چون چیزی برای غارت کردن باقی نمانده بود و بزرگترین کلیسای سنت صوفیا را مسجد اعلان میکند. ۴-۱۹-۰۲

کامپیز باسطورت